

خادم در مقام مدیر

بخش یکم: تعریف مدیریت

خادم و مدیریت

خادم کیست؟ پاسخ روشن است: خادم کسی است که خدا را خدمت می‌کند. اما آیا این خدمت در خلأ یا در انزوا صورت می‌گیرد؟ اغلب اوقات نه. در اکثر موارد، خادم خدا در خدمت مردم است، خواه در خدمت مسیحیان، خواه در خدمت غیرمسیحیان.

در اینصورت، اگر خادم با مردم سر و کار دارد، چه بخواهد و چه نخواهد، در یکی از سطوح مدیریت و رهبری قرار می‌گیرد، چه رهبر در بالاترین سطح، چه در سطوح میانی یا پایین‌تر. اکثر خادمین در سطوح مدیریت میانی قرار دارند، یعنی عده‌ای را رهبری می‌کنند، اما خودشان نیز تحت رهبری افراد ارشدتر از خود می‌باشند.

به این ترتیب، خادمین مسیح جز در موارد استثنایی، در سمت رهبری و مدیریت قرار دارند.

موضوعی بحث‌انگیز

حال یک سؤال مهم پیش می‌آید: آیا خادم مسیح باید اصول رهبری و مدیریت را بیاموزد؟ اگر آری، آیا به‌کارگیری اصول مدیریت برخلاف هدایت روح‌القدس نیست؟ موضوع فراگیری علوم انسانی جهت استفاده در خدمت خدا، ممکن است د

دعوت کرده‌اید. حالا چه می‌کنید؟ برای پذیرایی از میهمانان خود چه گامهایی بر می‌دارید و چه مراحل را طی می‌کنید؟ نخستین کاری که انجام می‌دهید چیست؟ بعد چه کارهایی می‌کنید؟ پیش از آنکه پاسخ ما را بخوانید، لحظه‌ای مکث کنید و بیندیشید؟

گام اول: فکر کردن!

همه ما بدون استثنا، برای تدارک چنین میهمانی‌یی، نخست به‌نحوی طبق عادت خودمان، «فکر می‌کنیم». اول فکر می‌کنیم که میهمانان ما در چه سطحی قرار دارند و پذیرایی از آنها باید تا چه حد ساده باشد یا مفضل. سپس بر اساس پاسخی که به سؤال بالا می‌دهیم، فکر می‌کنیم که چه نوع خوراکی‌هایی آماده کنیم و به چه مقدار.

تا این مرحله، همه چیز در «فکر» ما اتفاق می‌افتد. پیش از دست‌به‌کار شدن، همه ما ابتدا به فکر می‌نشینیم. در غیر اینصورت، کار پذیرایی ما قطعاً دچار هرج و مرج خواهد شد.

گام دوم: کارهای عملی

اما پس از فکر کردن و برنامه‌ریزی، به آماده کردن یا خرید موادی می‌پردازیم که در برنامه‌مان قرار دارند. تحقیق می‌کنیم که چه موادی داریم و چه موادی را باید بخریم. در ضمن، اگر می‌بینیم که به‌تهایی قادر به

آیا چنین کاری با هدایت آزادانه روح‌القدس مغایر و متضاد نیست. آیا نباید گذاشت که روح‌القدس هر طور که می‌خواهد ما را در خدمت هدایت کند؟ آیا استفاده از وسایل انسانی، نظیر دانش و هنر مدیریت مغایر با توکل کامل به خدا نیست؟ آیا به‌کارگیری چنین فنون انسانی مغایر با کتاب‌مقدس نیست؟ آیا با چنین کاری، دانش و فنون انسانی را جایگزین کار فوق‌طبیعی الهی نمی‌سازیم؟

ایسن قبیل سؤالات و تردیدها کاملاً به‌جاست. طبعاً باید مراقب بود که کار خدا را به روش انسانی انجام ندهیم. پولس رسول می‌فرماید: «اسلحه جنگ ما جسمانی نیست...» (اول قرنتیان ۴:۱۰).

اما پیش از اینکه ببینیم استفاده از مدیریت با هدایت روح‌القدس مغایر است یا نه، باید ببینیم که اساساً مدیریت چیست. این سؤالی است کاملاً به‌جا. به‌قول ارسطو، بسیاری از مشکلات ما ناشی از ضعف ما در تعیین معنا و تعریف عبارات و اصطلاحاتی است که به‌کار می‌بریم. معنا و تعریف مدیریت چیست؟

نمونه مدیریت در آشپزخانه!

مدیریت یک میهمانی!

اجازه دهید مدیریت را با ذکر مثالی ساده

انجام همه کارها نیستیم. از کسی کمک می‌خواهیم. در مرحله بعدی به پختن خوراکیها می‌پردازیم. و در مرحله آخر، ترتیب پذیری از میهمانان را به‌هنگام ورودشان می‌دهیم.

گام سوم: نظارت بر پیشرفت کارها

اما یک کار مهم دیگر هم انجام می‌دهیم؛ و آن این است که در تمام مراحل عملی کار، دائماً توجه داریم که آیا همه چیز مهیا است و کارها طبق برنامه پیش می‌رود یا نه. توجه داریم به این امر که آیا کارها به‌موقع انجام می‌شود یا نه. کنترل می‌کنیم که آیا خوراکیها طعم مناسب را گرفته‌اند یا نه. درضمن، اگر از کسی کمک می‌گیریم، بر کار او نیز نظارت خواهیم کرد تا اطمینان حاصل کنیم که او نیز کارش را طبق برنامه و به‌درستی و به‌موقع انجام می‌دهد.

این است مدیریت!

نمونه فوق از زندگی روزمره، باارزترین تعریف مدیریت را به‌دست می‌دهد. در این نمونه عادی که همه ما با نظایرش سر و کار داشته‌ایم، تمام عناصر اساسی و مهم مدیریت و رهبری به‌کار رفته است.

حال، به یک طرح کلیسایی یا یک خدمت روحانی فکر کنید. مثلاً در نظر دارید یک فعالیت بشارتی را در سطح شهرتان به مرحله اجرا در آورید؛ یا می‌خواهید یک کنفرانس برگزار کنید. به‌طور طبیعی و طبق عقل سلیم که خدا در وجود ما قرار داده، آیا همین گامها را بر نمی‌داریم؟ پاسخ قطعاً مثبت است. اگر چنین است، بهتر است این گامها را به‌گونه‌ای اصولی‌تر و مؤثرتر و با آگاهی بیشتر بر داریم تا بهتر به هدف خود برسیم.

تعریف مدیریت

مدیریت را بر حسب حوزه‌های کاربردی آن می‌توان به‌گونه‌های مختلف تعریف کرد. اما از

میان این تعاریف، دو مورد زیر بیشتر به کار خادمین مسیحی می‌آید:

● مدیریت یعنی به‌کارگیری و به‌کارگماری منابع مادی و/یا انسانی برای رسیدن به هدفی معین.

● مدیریت یعنی علم و هنر متشکل کردن، هماهنگ نمودن، رهبری، و کنترل فعالیت‌های گروهی، برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی.

بار دیگر تعاریف بالا را بخوانید و در مورد تک‌تک اصطلاحات آن بسیندیشید. در اینصورت، حتماً توجه خواهید کرد که مقصود از مدیریت، رسیدن به یک «هدف» است. برای دستیابی به این هدف که از پیش تعیین شده، فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد که عبارتند از به‌کارگیری، به‌کارگماری، متشکل کردن، هماهنگ کردن، رهبری، و کنترل. همه این کارها انجام می‌شود تا رهبر و گروهش به هدفی که تعیین شده، برسند. این هدف و فعالیت‌ها را عناصر مدیریت می‌نامند.

عناصر مدیریت

صاحب‌نظران علوم اداری، عناصر مدیریت را چنین تعیین و تعریف کرده‌اند:

● (۱) **تعیین هدف:** این مهم‌ترین عنصر مدیریت است. هر نوع فعالیتی که خادم مسیحی انجام می‌دهد، باید در جهت نیل به هدفی خاص باشد. اگر هدف مشخص و واضح نباشد، نه رهبر خواهد دانست برای چه منظوری همه این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد، و نه اعضای گروهش.

● (۲) **برنامه‌ریزی:** برای رسیدن به هدف باید گامهایی برداشته شود و کارهایی تحقق یابد. نحوه انجام این کارها و امکانات و منابع مادی و مالی و انسانی موجود نیز باید تعیین شود. پیش از شروع به عمل، باید نخست برنامه فعالیت‌های لازم جهت نیل به هدف مشخص شود.

● (۳) **سازماندهی** (ایجاد تشکیلات): برای تحقق برنامه تعیین شده، باید سازمانی به‌وجود آید. منظور از سازمان، ساختمان و میز و صندلی نیست. باید مشخص شود چه دسته از کارها توسط چه کسی یا کسانی انجام می‌شود، و وظیفه هر فرد در گروه چیست و روابط افراد با هم چگونه است و اینکه چه کسی از چه مقامی فرمانبری می‌کند.

● (۴) **رهبری:** دادن انگیزش به افراد برای اجرای کار و ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های مختلف جهت نیل به آن هدف خاص را رهبری می‌نامند.

● (۵) **کنترل و نظارت:** کارها در هر مرحله از اجرای آن، باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بدون چنین کنترلی، مدیر نخواهد دانست که آیا کارها طبق برنامه و در جهت هدف پیشرفت می‌کند یا نه.

خادم و مدیریت و کتابمقدس

با چنین تعریفی، آیا می‌توان گفت که مدیریت روحانی است یا نه؟ گمان نمی‌رود. آنچه می‌تواند روحانی باشد یا نباشد، خادم است، نه وسایل او. البته منظور ما این نیست که خادم روحانی می‌تواند و مجاز است از «هر» وسیله‌ای استفاده کند. اما او مجاز است از آنچه که خداوند در نهاد بشر به ودیعت گذارده و مطابق با عقل سلیم نیز می‌باشد، برای خدمت به اربابش استفاده کند.

تعاریف فوق و عناصری که برشمردیم، زائیده تفکرات و تخیلات بشر یا پژوهشهای صرف او نیست. اینها را همگی در نحوه عمل مردان خدا که در سمت رهبری قرار داشتند، مشاهده می‌کنیم. در شماره بعدی مجله، ضمن اشاره به زندگی چنین افرادی از کتابمقدس، بحث در باره اهمیت مدیریت در خدمت خادم را ادامه خواهیم داد. ■